

ده نشانه کلیدی برای تشخیص حملات شیطان و مقابله با آنها

ویژگی پیام‌های شیطانی و روش تشخیص حملات شیطان

در درس‌های گذشته درباره ماهیت شیطان و حمله‌های چهارگانه این موجود صحبت کردیم، اما آیا راهی برای تشخیص حملات شیطان وجود دارد؟ چطور می‌توانیم بفهمیم مورد حمله او قرار گرفته‌ایم؟ یکی از نکته‌های مهمی که خداوند بارها به آن اشاره کرده، دشمنی آشکار شیطان با انسان است. این نکته کمک می‌کند که بتوانیم شگردهای او را بشناسیم. خدا در وجود همه ما قدرت تشخیص پیام‌های فرشتگان و پیام‌های شیطانی را قرار داده است. نشانه‌های پیام‌های شیطانی عبارتند از: غم، غصه، اضطراب، ترس، دلهره، پژمردگی، افسردگی، زودرنجی، حساسیت و ناامیدی. فکرها و پیام‌های فرشتگان هم دارای نشانه‌هایی از جمله امید، شادی، توکل، قدرت، نشاط و آرامش هستند.

قبل از پیدا کردن روش‌های تشخیص حملات شیطان باید این نکته را بدانیم که انسان‌شناسی یکی از مهم‌ترین ابزارها در این زمینه است. وقتی ما ورودی‌ها و نقاط قوت و ضعف خود را بشناسیم، به خوبی می‌توانیم سدهای محکمی در برابر نفوذ شیطان بسازیم و حتی از حمله‌های او به عنوان پله‌های رشد استفاده کنیم؛ چون وجود شیطان هم مانند بسیاری دیگر از نعمت‌های خدا دارای دو وجه است. اگر درست از آن استفاده کنیم، سود می‌بریم و در غیر این صورت ضرر می‌کنیم. مثل نعمت آب که هم می‌تواند مایه روشن‌ی و زندگی و هم مایه خفگی و مرگ باشد.

خداوند در آیه‌های مختلف قرآن به نکته‌های کلیدی زیادی درباره دشمنی شیطان با انسان و نوع حملات او اشاره کرده است. با شناخت نشانه‌های حمله شیطان می‌توانیم این هجوم را تشخیص دهیم و خود را از تیررس آن دور نگه داریم.

فکرهای منفی و کلمه‌های زشت و ناموزون

یکی از دام‌های شیطان ایجاد فساد، فتنه و دشمنی از راه القای فکرهای منفی و کلمه‌های زشت و بی‌منطق است. نجواهای شیطان توهم، فکرهای غلط و خیال‌های آزاردهنده و اضطراب‌آور تولید می‌کند. هر کدام از این موارد می‌توانند رابطه‌ها را خراب کنند. بسیاری از ما شکست‌های عاطفی را تجربه کرده‌ایم، آن هم در روابطی که در ابتدا محترمانه و عاشقانه شروع شده‌اند؛ اما با پیشرفت رابطه به دلیل کم شدن وسواس ما در انتخاب کلمات مناسب به بن بست رسیده و در نهایت از دست رفته‌اند.

بسیاری از فتنه‌ها، اختلاف‌ها، تنفرها و جنگ‌ها به این دلیل بوده که افراد نتوانسته‌اند از کلمه‌های درست و مناسب استفاده کنند. پس در مواردی که کلمه‌ها و فکرهای ما باعث جدایی، اختلاف و کدورت می‌شود یعنی مورد حمله شیطان قرار گرفته‌ایم و باید ضدحمله مناسب را اعمال کنیم.

شیطان فقط وسوسه‌گر است و ترفندهای او در حد حمله اولیه و تولید فکر است و این خود ما هستیم که پیام‌هایش را دنبال می‌کنیم. برای نمونه گاهی شیطان گمانی را نسبت به فردی یا چیزی در دل ما می‌اندازد. اگر فکرمان را کنترل نکنیم ممکن است این گمان به سوءظن تبدیل شود. شیطان به راحتی می‌تواند با توجه به دستاویزی که خودمان برایش فراهم کرده‌ایم، به فکرهای منفی ما بال و پر دهد و یک فکر اشتباه را در ذهن‌مان به جدالی واقعی در عالم بیرون تبدیل کند.

تعصب و تکبر

یکی از تولیدات شیطان تعصب یا همان حساسیت، مقاومت و طرفداری‌های بیجا، احمقانه و بی‌منطق است. در مواردی که با وجود برتری به حق و منطقی طرف مقابل، با تکبر و ناحقی بر عقیده و گفته خود پافشاری می‌کنیم؛ یعنی دچار تعصب شده‌ایم. تکبر و تعصب از مهم‌ترین عوامل سقوط شیطان و رانده شدنش از درگاه خداوند بودند. او جنس خود را برتر از انسان می‌دانست، برای همین در برابر فرمان خدا تکبر و تعصب ورزید و حاضر نشد به انسان سجده کند.

شیطان بعد از رانده شدن از درگاه خدا از همین دو ابزار برای فریب ما و ایجاد غفلت استفاده می‌کند، پس یکی از راه‌های شناخت حملات شیطان این است، که ببینیم آیا برای افکار، گفتار، باورها و کارهای خود دلیلی منطقی داریم، یا فقط بی‌دلیل و بدون قدرت اثبات بر آن‌ها پافشاری می‌کنیم؟

ترفند دلت پاک باشد

احتمالاً همه ما این جمله که «دلت پاک باشد!» را در موارد مختلف گفته‌ایم یا از دیگران شنیده‌ایم. معمولاً این حرف زمانی زده می‌شود که قصد داریم، انجام ندادن وظیفه واجب را توجیه کنیم، اما بر اساس آیات قرآن برای خوشبختی ابدی و دوری از ضرر دائمی باید علاوه بر دل پاک عمل درست هم داشته باشیم.^۱ پس یکی از راه‌های تشخیص حملات شیطان این است که ببینیم آیا با توجیه دلت پاک باشد، از انجام کارهای واجب و درست سر باز می‌زنیم یا نه؟

دوری از یاد و ارتباط با خدا

یکی از معانی شیطان، فاصله‌گیرنده و دورشونده است. وقتی ما به یاد خدا و هدف خلقت خود باشیم، شیطان بر ما هیچ تسلطی ندارد. اما هنگامی که یاد خدا و ارتباط با او کم شود، شیطان به قلب ما نزدیک می‌شود. پس یکی از راه‌های تشخیص حملات شیطان آگاهی یافتن از مواردی است که ما را از خدا دور می‌کند.

حضور در برخی مکان‌ها و بودن در کنار بعضی افراد باعث می‌شود دچار غفلت شویم و اصلاً به یاد خدا نباشیم. بیشتر کسانی که دچار افسردگی، غصه، ترس، اضطراب، زودرنجی، حساسیت، درگیری و طلاق می‌شوند افرادی هستند که ارتباط‌های خصوصی و جمعی ضعیفی با مراکز تولید یاد خدا و پاتوق‌ها و

سوره عصر، آیه ۳^۱

مهمانی‌های فطری دارند؛ پس اگر دیدیم جمع‌ها و خلوت‌هایی که در آن‌ها حاضر می‌شویم ما را روزبه‌روز افسرده‌تر و غمگین‌تر می‌کند باید به حمله شیطان شک کنیم.

نداشتن آگاهی واقعی و ضعف یقین

خداوند اجازه تسلط شیطان بر انسان را نداده است و او فقط بر افرادی غلبه می‌کند که خودشان با جهل و گمراهی اجازه این تسلط را داده باشند.^۲ در واقع جهل و ندانستن‌های ما باعث می‌شود تابع و مطیع شیطان شویم.

هرگاه زلزله، دلهره، غم و سایر احساسات منفی ما ناشی از جهل و ضعف بینش و یقین بود، یعنی راه برای حمله شیطان باز شده است. برای نمونه بسیاری از ما می‌دانیم که دلیلی منطقی برای ترس از تاریکی و مرده وجود ندارد، اما چند نفرمان حاضریم در تاریکی به قبرستان برویم و چند ساعت در کنار مرده‌ها باشیم؟ این مورد یکی از نمونه‌هایی است که شیطان از ضعف یقین ما سوءاستفاده می‌کند و باعث ترس در وجودمان می‌شود.

اگر آگاهی و یقین خود را تقویت نکنیم، بهترین طعمه برای افتادن در دام شک، توهم و خرافات هستیم. بررسی باورهای افرادی که معتقد به سحر و جادو هستند، نشان می‌دهد بسیاری از آن‌ها باورهای عمیق، دانش و آگاهی کافی ندارند.

ترس و غفلت از آینده

برای حرکت به سمت آینده نیاز به موتورهای محرکی داریم، که مهم‌ترین آنها امید، نشاط، قدرت و آرامش است. امکان دارد تصمیم‌های جدید برای آینده دارای ابعاد مبهمی باشند، که ما را کمی دچار ترس و اضطراب کنند، اما این موارد در حدی قابل قبول هستند، که چشم و گوش‌مان را برای احتیاط و توجه بیشتر

سوره حجر، آیه ۴۲^۲

باز کنند. تصمیم‌هایی که تمام وجودمان را غرق غم، ترس، اضطراب و رخوت می‌کنند، به طور قطع دارای پیام‌هایی از سمت شیطان هستند. چون شیطان واکسن ضعیف شده‌ای از ناامیدی، ضعف، غم، سستی، تنبلی، کسالت و ترس است.

یکی از ترفندهای شیطان این است که آینده را به اندازه‌ای بزرگ نشان می‌دهد، که ما اصلاً قدرت تصمیم‌گیری، حرکت و اقدام نداشته باشیم. پس یک راه مطمئن برای تشخیص حملات شیطان این است که وضعیت خود هنگام تصمیم‌گیری و انتخاب برای آینده را بسنجیم؛ اگر با امید، شادی، قدرت، شجاعت، اطمینان و توکل پیش می‌رویم یعنی بر شیطان غلبه کرده‌ایم، اما سستی، غم و اضطراب نشانه آشکاری از تسلط شیطان بر وجود ماست.

یکی دیگر از شگردهای شیطان برای به دام انداختن ما این است که طوری غافلمان می‌کند، که تمام هدف‌ها و وظایف آینده خود را فراموش کنیم و مشغول کارهایی شویم، که سودی برای دنیا و آخرت‌مان نداشته و عمرمان را تلف می‌کند. نمونه آن توجه بیش از حد به مسابقه‌های ورزشی و دیگر رقابت‌های خیالی و وهمی است. افراد زیادی به دلیل حرص خوردن برای یک تیم، سلامتی روح و جسم و حتی گاهی جان خود را از دست داده‌اند.

اعتیاد به بازی‌های کامپیوتری نمونه دیگری از فعالیت‌هایی است که ما را درگیر رقابت‌های خیالی و در نهایت غفلت می‌کند. صرف بی‌هدف زمان در فضای مجازی هم یکی از دردهای این روزهاست، که افراد بسیاری به آن مبتلا هستند. این فعالیت بیهوده نتایجی مثل چشم و هم‌چشمی، حسادت، غیبت و رقابت‌های پایان‌ناپذیر دنیایی را به دنبال دارد. ما نباید فراموش کنیم که رقیب اصلی‌مان شیطان و حقیقی‌ترین مبارزه عالم هم رقابت هر روزه ما با اوست.

ترس از فقر و تنگ‌دستی

یکی از مواردی که شیطان ما را از آن می‌ترساند، فقر و تنگ‌دستی است. اگر در انجام اموری مانند کارهای اقتصادی و ازدواج با وجود تحقیق و اقدام‌های کارشناسی، ریسک‌پذیری معقول و تلاش کافی باز هم از فقر ترسیدیم؛ یعنی شیطان موفق شده به ما حمله کند.

خداوند بهترین روزی‌رسان است و برخلاف شیطان، همیشه وعدهٔ افزایش رزق را می‌دهد.^۳ مواردی مانند ازدواج، پرداخت خیرات، صدقه، زکات و خمس که شیطان آن‌ها را مایهٔ فقر و تنگ‌دستی معرفی می‌کند، از جمله راه‌های پرسود دریافت رزق و برکت هستند، که از سوی خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) بارها به آن‌ها اشاره شده است.^۴

آرزوها و تصمیم‌های مهندسی نشده

یکی از بزرگ‌ترین تلاش‌های شیطان این است که جلوی آرزوها و تصمیم‌های خوب و مؤثر ما را بگیرد، اما اگر مقاومت کنیم، سعی می‌کند آن‌ها را تغییر دهد و از مسیر اصلی منحرف کند. به این ترتیب ما را خسته و در رسیدن به آرزوها و تصمیم‌های خود ناکام می‌کند. یکی از روش‌های تشخیص حملات شیطان در زمینهٔ آرزوها این است، که به‌طور دائم آن‌ها را با ساختاری که خداوند مهندسی کرده تطبیق دهیم و ببینیم آیا چنین انسانی دارند یا نه؟

اگر ترتیب اولویت آرزوها و تصمیم‌های ما برخلاف آن چیزی باشد که خداوند طراحی کرده،^۵ یعنی از مسیر طبیعی خارج شده و دچار فسق شده‌ایم. آرزوها و تصمیم‌های اشتباه علاوه بر اتلاف وقت، هزینه، احساس، دارایی‌ها، استعدادها و عمرمان، آخرت ما را هم به تباهی می‌کشانند، اما علامت یک آرزو و تصمیم مناسب این است که با حرکت در جهت آن روزه‌روز به آرامش، قدرت و شادی نزدیک‌تر شویم.

سوره بقره، آیه ۲۶۸^۳

سوره نور، آیه ۳۲^۴

سوره توبه، آیه ۲۴^۵

کار شیطان این است که آرزوهای چشم‌زنی در برابر ما قرار دهد تا گول ظاهر آن‌ها را بخوریم و از مسیر اصلی حرکت خود منحرف و دور شویم. آرزوهای زیادی هستند که ظاهر خوب، موجه و حتی مقدسی دارند، ولی وقتی در جهت رسیدن به آن‌ها حرکت می‌کنیم، دچار غفلت شده و وجودمان تاریک می‌شود. بعضی از تصمیم‌ها به اندازه‌ای ما را سرگرم دنیا می‌کنند که تمام شبانه‌روز درگیر آن‌ها می‌شویم و یادمان می‌رود یک زندگی ابدی در پیش داریم. آرزوها و تصمیم‌هایی که باعث می‌شوند، خلوت نداشته و دائم درگیر باشیم، یک زنگ خطر بزرگ هستند، برای این‌که بفهمیم در دام شیطان افتاده‌ایم.

یادآوری مداوم کدورت‌ها، گناهان و شکست‌ها

همه ما در گذشته خود تجربه کدورت، گناه و شکست داشته‌ایم، ولی مهم این است که چطور با این تجربه‌ها مواجه شویم. اگر کدورتی را تا ابد در دل نگه داریم و دائم به گناه و شکست‌های قبلی خود فکر کنیم چه حالی خواهیم داشت؟ از راه‌های مناسب برای تشخیص حملات شیطان همین نحوه مواجهه با مواردی است که گفتیم. اگر زمزمه‌ای درونی به ما اجازه نمی‌دهد کدورت‌های گذشته را فراموش کنیم، مدام آن‌ها را جلوی چشم‌مان می‌آورد و باعث دل‌چرکینی میان ما و دیگران می‌شود، باید به نجوای شیطان شک کنیم. چون شیطان ما را سال‌ها درگیر تفکر به کینه‌های قدیمی می‌کند. گناه و شکست‌های گذشته نباید مانعی برای حرکت رو به جلوی ما باشند. هر چیزی که مانع یا باعث کندی حرکت رو به جلو یا انجام عقب‌گرد می‌شود، دام شیطان است. در مورد شکست‌های گذشته، شیطان با ارسال مداوم پیام بی‌عرضگی سعی می‌کند، ما را از حرکت بازدارد، اما نباید ناامید شویم. راهکار غلبه بر این ترفند شیطان بی‌توجهی به پیام‌های ارسالی، مداومت و تلاش مستمر و دوری از تنبلی تا زمان رسیدن به هدف نهایی است.

صورت‌های مقدس منحرف شده

اگر شیطان نتواند ما را با ترغیب به سوی گناه و اشتباه گمراه کند، از دستاویز مقدسات استفاده می‌کند. مثلاً گاهی بعضی افراد به دلیل انجام عبادات و کارهای خیر دچار عجب و غرور می‌شوند و خود را برتر از دیگران می‌دانند، اما باید بدانیم افراد متکبر، خودبین و خودخواه زودتر طعمه شیطان می‌شوند، چون در چرخه رقابتی پایان‌ناپذیر می‌افتند و همواره می‌خواهند موفق‌تر از دیگران باشند. از این رو با کوچک‌ترین شکستی در دام شیطان اسیر می‌شوند.

تشخیص حملات شیطان در زمینه مقدسات کار سختی نیست. باید ببینیم آثار عبادت و انجام امور مقدس بر قلب و روح ما چیست؟ اگر این امور باعث فروتنی، شادی، آرامش و نورانیت بیشتر ما نشوند، یعنی شیطان در ما نفوذ کرده و این امور را از مسیر حقیقی خود منحرف نموده است.

وسواس یکی از نمونه‌های انحراف عبادات و صورت‌های مقدس از مسیر اصلی است. ابتدا به وسواس در اموری مانند غسل، وضو و نماز یعنی شیطان نتوانسته به صورت مستقیم شخص وسواسی را نشانه بگیرد و او را به گناه بکشاند، پس از راه امور مقدس وارد شده است. وسواس در حقیقت دست‌کاری ریاضیات خلقت است. خداوندی که خالق انسان است، بهتر از هر کسی می‌داند برای هر چیزی چه عددی مناسب است. تغییر حدود و احتیاط‌های بیش از حد و غیرضروری در برخی موارد باعث می‌شود شخص از عبادت خسته شده و کم‌کم دچار شک و تردید شود و در نهایت آن را کنار بگذارد.

ایجاد فکرهای منفی درباره مقدسات، خداوند و اهل بیت (علیهم‌السلام) هم یکی دیگر از دام‌های شیطان در مسیر صورت‌های مقدس است. او زمانی می‌تواند با این شگرد به قلب و ذهن ما نفوذ کند که فضای خالی برایش ایجاد کرده باشیم. پس اگر زمانی دیدیم با وجود خواندن نماز، قرآن و دعاها، زیارت رفتن، انجام کارهای خیر و رعایت حدود الهی باز هم مورد هجوم افکار منفی درباره امور مقدس هستیم، باید بدانیم این فکرهای آزاردهنده از سوی شیطان و برای قطع ارتباط ما با مقدسات است؛ پس نباید به آن‌ها توجه کنیم، چون هیچ گناهی متوجه ما نیست. تنها کاری که باید انجام دهیم این است که فضاهای خالی ذهن و قلب‌مان را با فکرها و برنامه‌های مثبت پر کنیم که شیطان فرصت جولان دادن روی آن‌ها را نداشته باشد.

شیطان وقتی ببیند ما به سمت صورت‌های حرام نمی‌رویم و گرایش معنوی و الهی داریم، در همین مسیر برنامه‌ریزی می‌کند. یکی از مهم‌ترین بزنگاه‌های تشخیص حملات شیطان جایی است که بدعت و دین‌سازی وجود دارد. در جوامعی که مردم به معنویت و دین گرایش دارند، شیطان نمی‌تواند به صورت مستقیم و با پیشنهاد گناه به آن‌ها حمله کند؛ بنابراین از همان راه دین و معنویت وارد می‌شود، اما دینی که سرشار از انحراف است. نمونه آن عرفان، تصوف و مکتب‌های دروغینی است که همه ما اسم آن‌ها را شنیده‌ایم. این موارد فقط مَسکَنی مذهبی و مقدس هستند. شیطان با ایجاد تمایل نسبت به چنین عرفان‌ها و فرقه‌هایی سعی می‌کند به افراد یک هویت مذهبی و معنوی بدهد تا در سایه آن بتواند آن‌ها را برای انحراف‌ها و خطرهای بزرگ‌تر آماده کند.

در این درس به ده نشانه برای تشخیص حملات شیطان اشاره کردیم. شناخت حمله‌های چهارگانه شیطان از جهت‌های مختلف باعث می‌شود، راه‌های دیگری هم برای تشخیص این حمله‌ها پیدا کنیم. شما چه راه‌ها و نشانه‌های دیگری برای تشخیص حملات شیطان می‌شناسید؟